

توحید و کرامت انسانی از منظر دین اسلام

اساساً تکامل شخصیت یک فرد، ارتباطی ناکسستنی و مستقیم با ارزشهای مورد قبول وی در زندگی دارد، وقتی ارزشهای منتخب فرد محدود و متنهای باشد، حرکت و تکاپوی وی نیز محدود و متنهای و توقعاتش هم نزدیک و قابل پیش‌بینی خواهد بود. اما اگر معبود انسان موجودی بی‌نهایت متعالی و متکامل باشد، بدون تردید باعث کوشش او در جهت رسیدن به تعالی و کمال خواهد گشت. از این منظر، توحید؛ تسلیم در برابر یک منبع قدرت متعالی و کامل و بی‌نهایت و حرکت به سوی معبودی است که آزادی و حرکت به سوی کمال را به انسان هدیه می‌کند. بنابراین توحید به عنوان باور به حاکمیت یک قدرت واقعی در جهان، عامل رشد و حرکت انسان، و شرک عامل توقف، سکون، تسلیم و نابودی وی است.

در همین راستا مقاله حاضر بر آن است که ضمن تبیین کرامت ذاتی انسان در جهان‌بینی توحیدی دین اسلام، به مطالعه و بررسی برخی از کمالات و فضائل قابل کسب توسط انسان بپردازد که در نتیجه ایمان به جهان‌بینی توحیدی در وی ایجاد گشته و تقویت می‌شوند.

انسان در جهان‌بینی توحیدی و الهی دین اسلام

اساساً در تعالیم آسمانی دین اسلام، انسان موجودی است که «خداوند از

روح خویش در وجود او دمیده»^(۱) پس از آفرینش وی، به خود آفرین می‌گوید^(۲) و «امانت دار الهی»^(۳) است. موجودی است که هرچه در زمین است، برای او آفریده شده است^(۴) و جانشین و «خليفة خدا در روی زمین است»^(۵) و «مسجود تمام فرشتگان»^(۶)

پس جوهره انسان جوهره توحیدی است و کرامت نفس وی یک تشخیص توحیدی است که از جانب خداوند به وی اعطا گردیده است^(۷) و از همین روست که انسان وقتی به درون خود مراجعه می‌کند، نور توحید، حقیقت توحید و گرایش به فضائل توحیدی را در آن می‌یابد^(۸).

جالب آن که توجه به این کرامت نفس ذاتی و اثرات نیکوی آن و پرهیز از افکار و اعمالی که موجب کمرنگتر شدن این موهبت الهی می‌گردد، در زندگی انسان، مکرراً توسط معصومین توصیه گردیده است به عنوان نمونه از

علی علیه السلام نقل شده است که فرموده‌اند: «هرکس نفس خویش را کوچک شمارد، امید خیری به او نداشته باش»^(۹) و یا «هرکس به شرافت نفس خویش توجه داشته باشد، وی را از ذلت در تمایلات نفسانی باز می‌دارد»^(۱۰).

امام هادی علیه السلام نیز می‌فرماید: «هرکس نفس خویش را پست بداند،

۱. نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوْحِي (سورة حجر: ۲۹) و سورة ص: ۷۲.
۲. فَبَارِكْ لِلَّهِ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (سورة مؤمنون، آية ۱۴).
۳. أَنَا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ (سورة احزاب: ۷۲).
۴. هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَافِي الْأَرْضِ جَمِيعاً (سورة بقره: ۲۹).
۵. أَنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً (سورة بقره: ۳۰).
۶. فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةَ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ (سورة قصص: ۷۳).
۷. لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ (اسراء: ۷۰).
۸. فیاض بخش، محمد تقی، همایش بازشناسی درس اخلاق استاد علامه در راهنمایی روزبه.
۹. غُرُزُ الْحِكْمِ، فصل ۷۷، شماره ۱۲۳۳.
۱۰. همان، شماره ۹۷۲.

از شر وی ایمن مباش»^(۱) و از فرمایشات امام صادق علیه السلام است که می‌فرماید: «هیچ‌کس تکبر و طغیان نمی‌کند، مگر در اثر ذلتی که در نفس خویش احساس می‌نماید»^(۲). و.....

توحید و فضائل اخلاقی

روح خداپرستی و توحید، موجب تزکیه درونی انسان شده و موجب نابودی تمامی بتها و مظاهر شرک گشته و از او انسانی پاک با دنیایی صداقت و خلوص می‌سازد^(۳) چرا که خداوند به دلیل احاطه بر کل وجود انسان و شناخت خیر و صلاح او، شیوه‌هایی برای دستیابی به فضائل اخلاقی در اختیار او نهاده است که ضامن سعادت او بوده و وی را در جهت نیل به کمال یاری می‌دهد. جالب آن که پرورش مکارم اخلاقی از چنان اهمیتیتی برخوردار است که یکی از غایات و اهداف بعثت ذکر شده است^(۴) و خلق نیکو و رفتار وزین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از

اعتقاد به توحید و عزت و سربلندی انسان

توحید به مفهوم آزادگی همه انسانها از قید اسارت و عبودیت غیر خدا هم می‌باشد و بر این اساس به انسان کرامت و ارزشی می‌بخشد و گوهر انسانیت وی را بسیار ارزنده‌تر از آن می‌داند که اسیر و مقهور و ذلیل هرکس و هر قدرتی به جز خداوند باشد. از این دیدگاه تنها آن هستی؛ مطلق و کمال و زیبایی مطلق است که

۱. تحف العقول، ص ۵۱۲.
۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۱۲.
۳. زرگری، حسین، توحید زیربنای مکتب، انتشارات سید جمال، ص ۹۵.
۴. قال النبی: أَنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ (اعراف)، به نقل از سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۱۰.
۵. هُوَ إِنَّكَ لَسَلْتَنِي خُلُقٍ عَظِيمٍ (سورة قلم، آية ۲). (اعراف)، علیرضا، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، ص ۱۲۴، انتشارات سمت، تهران.

می‌شاید انسان شیفته و ستایشگر و نیایشگر او گردد و این والاگرایی، خود مرتبه‌ای از والایی را برای انسان به ارمغان می‌آورد^(۱) و موجب عزت فرد موحد و مؤمن می‌گردد^(۲).

توحید و تقویت اراده

یکی از عوامل مهمی که می‌تواند اراده و توانایی انسان را تقویت کند و او را آماده مراحل عالی‌تر رشد و تعالی نماید، ارتباط با خداوند و تقویت این ارتباط است چرا که اتصال و وابستگی به منبع مستقل و کامل قدرت، توانایی و علم و آگاهی، خود موجب احساس قدرتمندی و توانایی می‌گردد و فرد موحد با توسل به پروردگار قادر و مستعال و یگانه، قوت و استحکام روحی پیدا نموده و همین اراده قوی موجبات رشد و کمال وی را فراهم نموده و وی را از معاصی باز می‌دارد^(۳) و از همین رو است که شخص موحد تا زمانی که به زیور

ایمان به خدا آراسته است، هرگز آرامش و حیات پاکیزه خود را به تشویش و اضطراب و زندگی همراه با شائبه معاصی آلوده نمی‌کند^(۴). و بر مصائب و سختیها صبر می‌ورزد.

توحید، روابط انسانی و اجتماعی

سالم و وحدت جامعه توحیدی بر همین اساس و از آنجایی که دعوت خداوند به هدایت انسانها بر

۱. ایزدی، مصطفی، و مسکوب، دیدگاه توحیدی، ص ۶۰
۲. هو لله العزة و لرسوله و للمؤمنین (سوره منافقون، آیه ۸)
۳. از نظر تعلیمات اسلامی هرگناهی اثر تاریک‌کننده و کدورت‌آور بر دل و جان انسان باقی می‌گذارد و در نتیجه میل و رغبت به کارهای نیک و خدایی را کاهش و رغبت به گناهان دیگر را در وی افزایش می‌دهد متقابلاً عبادت و بندگی و در پیاد خدا بودن و وجدان مذهبی انسان را پرورش داده میل و رغبت به کارهای نیک را افزون‌تر نموده و از میل و رغبت به شر و گناه وی می‌کاهد (واظفی نژاد، ص ۲۵۰) از همین روست که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «ان الصلاة تنهى عن الفحشاء و المنکر» (سوره عنکبوت، آیه ۲۵)
۴. اهرافی، همان، ص ۴۶

اساس نص صریح قرآن عمومی بوده و منحصر به طبقه، نژاد یا ملیت خاصی نبوده است^(۱)، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که جهان‌بینی توحیدی به معنای یکسانی و برابری انسان‌ها در امکان تعالی و تکامل نیز می‌باشد و هیچ‌کس نیست که در ذات و سرشت از پیمودن صراط مستقیم تعالی و تکامل ناتوان باشد^(۲) و همگان

در برابر خداوند یکسانند و اگر تمایزی در پیشگاه خداوند پیدا می‌کنند، به واسطه کوشش و تلاش و مجاهدت و تقوای بیشتر آنهاست. در توحید به مفهوم آزادی همه انسانها از قید اسارت و عبودیت غیر خدا هم می‌باشد و بر این اساس به انسان کرامت و ارزشی می‌بخشد و گوهر انسانیت وی را بسیار ارزشمندتر از آن می‌داند که اسیر و مقهور و ذلیل هرکس و هر قدرتی به جز خداوند باشد

همین رابطه آیات متعددی در قرآن کریم وجود دارد که از آن جمله‌اند آیه ۹۴ از سوره انبیا^(۳) که حاکی از آن است که کوشش هیچ‌کس به ناسپاسی گرفته نمی‌شود و ثبت می‌گردد و آیه ۱۳ سوره حجرات^(۴) که در آن، تقوا به عنوان ملاک برتری و گرامی‌تر بودن

۱. «و أرسلناک للناس رسولا» (نساء: ۷۹) و ما أرسلناک الا کافه للناس» (سبأ: ۲۸).
۲. ایزدی، همان، ص ۵۹
۳. «فمن يعمل من الصالحات و هو مؤمن فلا کفران لسمیه و اتا له کاتبون».
۴. «ان اکرمکم عند الله اتقیکم».

هستی در مسیر زندگی به منظور نزدیکی و قرب به خدا، زمینه تحقق عدالت اجتماعی و انس و الفت میان مؤمنین^(۱) را نیز فراهم می نماید و جامعه ای را پدیدار می سازد که در آن، فرهنگ صحیح ارتباط کارآمد و مطلوب اجتماعی بین افراد محقق گشته است.

نقش جهان بینی توحیدی در احساس آرامش انسان

جهان بینی الهی و اعتقاد به یگانگی خداوند ریشه ای فطری دارد و از آثار مسائل فطری احساس آرامش است^(۲) به تعبیری می توان گفت همان طور که یک مادر به هنگام در آغوش گرفتن فرزند خود از انجام این عمل احساس غرور و آرامش و لذت می نماید، شخص موحد نیز از احساس عبودیت و بندگی و پرستش خداوند یکتا، و وابسته دانستن تمامی کائنات به قدرتی بی نهایت و باشعور، به امید، آرامش و

طمأنینه می رسد و از همین روست که در قرآن کریم هم آمده است: «أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^(۳).

از سوی دیگر انسان؛ نیازمند عاملی است که همواره در دسترسش باشد و جزو شخصیت او گردد و این عامل چیزی جز ایمان مذهبی نمی تواند باشد چرا که اساساً آرامش و سکون قلبی چیزی نیست که به دست بشر قابل طرح ریزی باشد و او تنها با تمسک به قدرتی برتر از خود می تواند به آرامش و ثبات دست یابد و خداوند خود در کتاب آسمانیش فرموده است که «در دلهای مؤمنین آرامش و سکینه

۱. «واعصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا... واذكروا نعمة الله عليكم اذ كنتم اعداء فآلف بين قلوبكم فاصبحتم بنعمته اخواناً وكنتم على شفا حفرة من النار...» همگی به ریمان خداوند جنگ بزیند و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید که دشمنان یکدیگر بودید پس میان دلهای شما الفت ایجاد کرد تا به لطف او برادران هم شدید و یاد کنید که در کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید...» (آل عمران، ۱۰۳).

۲. قرآنی، محسن، توحید، نشر و العصر، ص ۱۴.

۳. سوره اعد: ۲۸.

فرو فرستاده تا بر ایمان خود بیفزایند»^(۱).

پرورش عقل و نیروی تفکر در جهان بینی توحیدی

از آنجایی که نیروی تفکر و عقل به عنوان یک حجت درونی و باطنی، کانونی برای پرورش مستدل فطریات در انسان است، انسان موحد به طور بالقوه از پتانسیل و انگیزه بیشتری برای کسب علم و دانش و دقت و تدبیر و تفکر در آیات و نشانه های خداوند در کائنات برخوردار است از

همین روست که می بینیم در کتب آسمانی، به ویژه در قرآن کریم همواره انسان به تدبیر و تعقل در آیات و نشانه های خداوند در طبیعت و کشف نشانه های الهی، عبرت گیری از سرنوشت گذشتگان توصیه شده است که کسب فضائلی مانند هوشمندی، کسب دانش و تجارب مفید را برای وی میسر می سازد^(۲) و شاید از

همین روست که در تعالیم اسلامی از تفکر؛ به عنوان افضل عبادات یاد شده است^(۳).

از سوی دیگر یکی دیگر از آثار و نتایج مهم ایمان و تقوای الهی و تدبیر و تعقل در نظام کائنات - که خود به میزان قابل توجهی متأثر و منبعث از جهان بینی توحیدی است، روشن بینی و قوه تشخیص حق از باطل است-^(۴) که آن هم به نوبه خود، موجب انتخابها گزینشهای صحیح در عرصه های مختلف زندگی می گردد که خالی از شک و تردید و اضطراب بوده و منجر

۱. «هو الذي أنزل السكينة في قلوب المؤمنين ليزدادوا إيماناً مع إيمانهم» (سوره فتح: ۴).

۲. در همین رابطه پیامبر اکرم ﷺ حدیث ارزشمندی فرموده اند: خداوند هیچ پیامبر و رسولی را مبعوث نکرد مگر به واسطه آن، عقل را کمال بخشید (اصول کافی، ج ۱، ح ۱۱).

۳. واعظی، حسین، طهارت روح، عبادت و نماز در آثار شهید مطهری، ص ۵۸.

۴. «يا أيها الذين آمنوا ان تتقوا الله يجعل لكم فرقاناً و يكثر عنكم سيئاتكم و يغفر لكم» (سوره انفال: ۲۹): ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر تقوای الهی داشته باشید، خداوند برای شما نیروی تشخیص حق از باطل عطا می نماید و گناهاتان را می زداید و شما را می آمرزد.

به سعادت و کمال انسان می گردند.

نتیجه گیری

در جهان بینی توحیدی، هدف نهایی چیزی جز استمرار حضور و احساس خداوند در زندگی نیست و این همان هدفی است که تمام کمالات (کسب فضائل اخلاقی، آرامش روح و روان، تقویت و پرورش اراده و دوری از معاصی، پرورش قوه تفکر و تعقل، ایجاد روابط اجتماعی سالم و وحدت و اتحاد افراد جامعه و همه فضائل و کراماتی که منجر به رستگاری انسان می گردد) به آن بر می گردد تا آنجا که به تعبیری، طهارت روح و روان انسان هم که در عرف اسلامی به طهارت اکبر معروف است، در اصل توحید تبلور یافته^(۱) و در این رابطه در قرآن کریم آمده است: «مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً...»^(۲) بدین معنا که هرکس کار شایسته ای انجام

دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن

است، او را به حیاتی پاک زنده می داریم...»^(۳)

بنابراین، بر اساس رسالت ارزشمند پیامبر اسلام ﷺ، نتیجه توحید، فلاح و رستگاری انسان است و نشاط و انبساط خاطر، خوشبینی، امیدواری، کسب کلیه کمالات و لذات معنوی که لازمه آرامش روحی بشر است و سعادت دنیوی و اخروی انسان، همه و همه در پرتو ایمان به یگانگی خداوند قادر و متعال و حکیم و رحیم قابل احراز است.

۱. اعراف، همان، ص ۳۴.

۲. سوره نحل: ۹۷.

۳. این در حالی است که زندگی سخت و پرفشار هم به تعبیر قرآن کریم ناشی از عدم ایمان و فراموشی خداست، همچنان که در آیه ۱۲۴ از سوره مبارکه طه آمده است: «هرکس از یاد من رو بگرداند، در حقیقت زندگی تنگ و سختی خواهد داشت. و من عرض عن ذکرې فان له معیشتة ضنکاً».